

پژوهش‌های حسابداری مالی
سال هشتم، شماره دوم، پیاپی (۲۸)، تابستان ۱۳۹۵
تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۲/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۱۸
صص: ۲۵-۳۸

تأثیر ویژگی‌های شرکت بر میزان افشای اختیاری در گزارشگری سالانه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

سجاد نقدی^{۱*}، علی ابراهیمی کردلر^{**}

* دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران

sajad.nagdi@yahoo.com

** استادیار حسابداری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

ali2gol@yahoo.com

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر برخی ویژگی‌های مالی و غیرمالی خاص شرکت‌ها بر میزان افشای اختیاری اطلاعات در گزارشگری سالانه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. تعداد ۲۰۳ شرکت، حائز شرایط موردنظر پژوهش برای دوره زمانی دو ساله ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ انتخاب و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از تحلیل ضرایب رگرسیون استفاده شده است. به‌منظور اندازه‌گیری سطح افشای اختیاری اطلاعات در گزارشگری سالانه، فهرستی متشکل از ۵۰ قلم اختیاری براساس استانداردهای حسابداری و مقررات موجود در حوزه گزارشگری مالی تهیه شد. در این پژوهش از شاخص غیروزی با سطح اهمیت یکسان افشا شده در راستای سنجش میزان افشای اختیاری استفاده شده است. نتایج حاصل بیانگر آن است که از میان ویژگی‌های مالی و غیرمالی در حوزه افشای اختیاری، فقط اندازه شرکت رابطه مثبت و معناداری با سطح افشای اختیاری دارد. دیگر متغیرهای ویژگی‌های شرکت (عمر شرکت، سودآوری، نقدینگی، اهرم و اندازه مؤسسه حسابرسی) رابطه معناداری با سطح افشای اختیاری ندارند. **واژه‌های کلیدی:** ویژگی‌های شرکت، گزارشگری سالانه، افشای اختیاری، شاخص غیروزی.

۱- نشانی مکاتباتی نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، گروه حسابداری.

مقدمه

مدیران به‌عنوان مسئول تهیه صورت‌های مالی، همواره انگیزه دارند تا برای حفظ منافع خود به تحریف اطلاعات مالی بپردازند. از جمله اقدامات مدیران که به شفاف‌نبودن اطلاعات مالی منجر می‌شود، دست‌کاری سود است. در فرایند دست‌کاری سود، مدیران سعی می‌کنند اخبار منفی را در داخل شرکت انباشت کرده و آن را افشا نکنند. هنگامی که این توده اخبار منفی انباشته، به نقطه اوج خود می‌رسد، به یکباره وارد بازار شده، به سقوط قیمت سهام منجر می‌شود [۶]. بنابراین افشای مالی ضعیف موجب گمراهی سهامداران می‌شود و اثر نامطلوبی بر ثروت آن‌ها دارد. تجزیه و تحلیل نظری و شواهد تجربی بیانگر آن است که افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران شرکت با کاهش تعداد سرمایه‌گذاران و پایین آمدن نقد شوندگی اوراق بهادار، کم‌شدن حجم معامله‌ها و به‌طور کلی، کاهش منافع اجتماعی از محل این داد و ستدها رابطه مستقیم دارد [۳]. یکی از سازوکارهای جلوگیری از عدم تقارن اطلاعاتی افشای اطلاعات در گزارشگری سالانه است، زیرا کیفیت افشای بالا می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی و مسئله انتخاب نادرست را کاهش دهد [۱]. اطلاعات افشا شده در گزارشگری سالانه شرکت‌ها به دو گروه اجباری و اختیاری تقسیم می‌شود. افشای اطلاعات اجباری بر اساس استانداردهای حسابداری و قوانین گزارشگری الزامی است. از طرف دیگر افشای اطلاعات اختیاری در اختیار مدیران شرکت است که قانون افشای آن را الزامی نمی‌داند. استانداردهای حسابداری و قوانین حاکم بر گزارشگری کشور، حداقل الزامات قانونی را در گزارشگری سالانه الزامی کرده است. در حالی که

بررسی گزارشگری مالی سالانه شرکت‌ها نشان می‌دهد که میزان اطلاعات افشا شده در چنین گزارش‌هایی متفاوت است؛ به همین دلیل سؤال اصلی پژوهش این است که ویژگی‌های مختلف شرکت‌ها بر اطلاعات اختیاری افشا شده در گزارشگری سالانه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تا چه اندازه تأثیرگذار است؟ پژوهشگرانی نظیر بلکویی و کاهل [۹]، رافورنیر [۲۳]، حسین و همایمی [۱۷]، منساح [۱۹]، نیلن و تورسون [۲۱] و البیتار [۷] به بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت‌ها بر میزان افشای اختیاری اطلاعات پرداخته‌اند. ولی پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه افشای اختیاری و عوامل تأثیرگذار بر آن، در متون حسابداری کشور محدود است. به عنوان مثال پژوهشی در کشور که به بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت از قبیل عمر شرکت بر افشای اختیاری پرداخته باشد، وجود ندارد. برخی پژوهش‌ها از قبیل پژوهش ستایش و همکاران [۴] به بررسی تأثیر برخی متغیرها از قبیل سودآوری بر افشای اختیاری نمودارها پرداخته است، ولی پژوهش حاضر از لحاظ انتخاب انواع مختلف متغیرها و همچنین نوع سنجش افشای اختیاری با دیگر پژوهش‌ها متمایز است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حداقل افشای اجباری و گزارشگری مالی و نیازهای روزافزون اطلاعاتی استفاده‌کنندگان و محدودیت شرکت‌ها برای افشای اطلاعات از منظر هزینه‌های افشای اطلاعات، همچنین انگیزه و محرک‌های تشویقی به‌منظور افشای بیشتر اطلاعات، موجب تفاوت در میزان افشای اختیاری در گزارشگری مالی شرکت‌ها شده است [۵].

است و برای رشد هم همیشه نیاز به تأمین مالی خارجی است. به همین دلیل نیاز به افشای جامع و کامل‌تری است. کوک [۱۳] اعتقاد دارد به دلیل آنکه شرکت‌های بزرگ از لحاظ اقتصادی جایگاه مهمی را در کشور بر عهده دارند، به همین دلیل انتظارات بیشتری از سوی عوامل بیرونی از قبیل دولت، استفاده‌کنندگان و مشتریان برای افشای اطلاعات وجود دارد.

سودآوری

واتس و زیمرمن [۲۹] اعتقاد دارند که شرکت‌های سودآور برای توجیه افکار عمومی و برای نشان‌دادن عملکرد خود و کاهش هزینه‌های سیاسی تمایل بیشتری در انتشار اطلاعات اضافی دارند. پژوهش سرف [۱۲] و البیتار [۷] بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار، میان میزان افشا و سودآوری است. هرچند برخی پژوهش‌گران از قبیل السعید [۸] و حسین و همامی [۱۷] رابطه معناداری مشاهده نکردند. در ایران نیز پژوهش سنجرى [۵] نشان‌دهنده عدم معناداری رابطه این دو متغیر است.

نقدینگی

والاس و همکاران [۲۷] معتقدند که شرکت‌هایی که از وضعیت نقدینگی ضعیفی رنج می‌برند، ممکن است با افزایش میزان افشای اختیاری اطلاعات در گزارشگری سالانه، نگرانی از بابت وضعیت نقدینگی شرکت را نزد سهامداران با اعلام اینکه مدیریت نیز از مشکلات آگاه است، کاهش دهند. نتایج پژوهش‌های بلکوئی و کاهل [۹]، السعید [۸] و منساح [۱۹] رابطه غیرمعناداری را میان نقدینگی و سطح افشا را نشان می‌دهد. در ایران نیز پژوهش سنجرى [۵] بیانگر عدم معناداری رابطه این دو متغیر است.

پژوهش‌های پیشین از قبیل نیلن و تورسون [۲۱] و البیتار [۷] نشان داده‌اند که ویژگی‌های شرکت عاملی تأثیرگذار بر سطح افشای اختیاری است. از میان ویژگی‌های مختلف شرکت و با بررسی پژوهش‌های پیشین و قدرت توضیحی متغیرهای مختلف در نهایت متغیرهای زیر انتخاب و در ادامه ارزیابی می‌شوند.

عمر شرکت

اوسوه انساح [۲۲] به سه نکته اساسی در رابطه با سطح افشای اختیاری شرکت‌های تازه‌تأسیس و جوان اشاره می‌کنند: ۱. شرکت‌های تازه تأسیس اگر به افشای اطلاعات حیاتی در رابطه با مخارج سرمایه‌ای و توسعه محصولات خود پردازند، ممکن است مزیت رقابتی خود را از دست بدهند، ۲. هزینه جمع‌آوری و پردازش و گزارشگری اطلاعات اضافی برای این شرکت‌ها زیاد است، ۳. شرکت‌های جوان اطلاعات اساسی و باارزش کمتری برای افشای عمومی در اختیار دارند. حسین و همامی [۱۷] نشان دادند که شرکت‌های قدیمی از میزان افشای اطلاعاتی بالاتری برخوردار هستند. این در حالی است که بیشتر پژوهش‌های تجربی انجام‌شده به خصوص در کشورهای در حال توسعه نظیر هانایفا و کوک [۱۶] و السعید [۸] رابطه مثبت و غیر معناداری بین عمر شرکت و میزان افشا را نشان دادند.

اندازه شرکت

شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل آنکه منابع و تجربه بیشتری در اختیار دارند، از صورت‌های مالی پیچیده‌تری برخوردار بوده و سطح بیشتری از اقلام اختیاری را افشا می‌کنند [۱۸]. والاس و ناصر [۲۸] معتقد هستند که اندازه شرکت تابعی از رشد شرکت

جنسن و مک‌لینگ [۱۸] به این نتیجه رسیدند که میزان افشای بیشتر در گزارشگری سالانه، از طریق دسترسی بیشتر تأمین‌کنندگان بدهی به جزئیات بیشتر در مورد توانایی شرکت در بازپرداخت به موقع بدهی‌ها، منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌شود. السعید [۸] نیز معتقد است مدیران برای اینکه عدم تقارن اطلاعاتی بین خود و سرمایه‌گذاران را کاهش دهند، ملزم هستند تا اطلاعات بیشتری را افشا دهند. پژوهش‌های والاس و ناصر [۲۸]، السعید [۸] و منساح [۱۹] رابطه غیرمعناداری را به دست آوردند.

اندازه (نوع) مؤسسه حسابرس

جنسن و مک‌لینگ [۱۸] اعلام کردند که شرکت‌های بزرگ حسابرسی با عملکرد نظارتی خود عاملی اساسی در کاهش هزینه‌های نمایندگی هستند و رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران را محدود می‌کنند و در نتیجه منجر به افشای اطلاعات بیشتر در گزارشگری سالانه می‌شوند. والاس و ناصر [۲۸] نشان دادند که شرکت‌های حسابرسی بزرگ به دلیل تجارب خود، نه تنها گزارشگری مالی را حسابرسی می‌کنند، بلکه آن‌ها را تحت تأثیر نیز قرار می‌دهند. پژوهش فیرت [۱۵] نشان از رابطه مثبت این دو متغیر است. هرچند پژوهش السعید [۸] و منساح [۱۹] گویای عدم معناداری این ارتباط است.

نتایج پژوهش البیتار [۷] گویای این است که از میان ویژگی‌های مختلف شرکت فقط اندازه، عمر، نقدینگی و سودآوری با میزان افشای اختیاری رابطه مثبت معنادار دارد. وی همچنین در ادامه با استفاده از تجزیه و تحلیل چندمتغیره نشان داد که فقط نقدینگی با میزان افشای اختیاری رابطه معنادار دارد. نیلن و تورسون [۲۱] به بررسی روند افشای اختیاری

شرکت‌های سوئدی پرداختند. فرایند تجزیه و تحلیل نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که از میان ویژگی‌های مختلف شرکت از قبیل اندازه شرکت و سودآوری فقط اندازه شرکت با میزان افشای اختیاری رابطه مثبت معنادار دارد. وی مشابه با اکثر پژوهشگران از قبیل السعید [۸] و منساح [۱۹] فقط از یک سال مالی (۲۰۱۲) در بررسی سطح افشای اختیاری استفاده کرد. نتایج پژوهش میشاری و همکاران [۲۰] نشان داد که میان سطح افشای اختیاری با اندازه شرکت، اهرم و سودآوری رابطه مثبتی وجود دارد. وی نشان داد که میانگین سطح افشای اختیاری در شرکت‌های کویتی ۷۴٪ و در قیاس با سطح افشای اختیاری در نتایج دیگر پژوهش‌ها از قبیل منساح [۱۹] و نیلن و تورسون [۲۱] بالاتر است که دلیل آن می‌تواند اندازه‌گیری متفاوت سطح افشای اختیاری در این پژوهش‌ها باشد. منساح [۱۹] در پژوهشی به بررسی برخی ویژگی‌های خاص شرکت‌ها (اندازه شرکت، سودآوری، اندازه مؤسسه حسابرسی، نقدینگی و اهرم) بر سطح افشای اختیاری پرداخت. نتایج بیانگر این بود که از میان متغیرهای بررسی شده فقط متغیر سودآوری با میزان افشای رابطه مثبت و معناداری دارد. حسین و همای [۱۷] به بررسی عوامل تأثیرگذار بر سطح افشای اختیاری ۲۵ شرکت بورسی قطر پرداخت. آن‌ها به منظور بررسی کیفیت افشای اطلاعات منتشرشده در گزارشگری سالانه، فهرستی ۴۴ موردی از اطلاعات، که براساس مطالعات و پژوهش‌های پیشین بود، تشکیل دادند. رویکرد به کار گرفته شده برای پژوهش از نوع غیرموزون و مشابه شاخصی بود که السعید [۸] به کار برده بود. نتایج یافته‌ها بیانگر ارتباط مثبت و معنادار سن شرکت و اندازه شرکت با سطح افشای اختیاری است. این در حالی

افزایش سطح افشای اطلاعات می‌کند. طبیعی است مطابق با نتایج پژوهش فروغی و همکاران [۶] شفافیت اطلاعات مالی ریسک سقوط سهام را کاهش خواهد داد.

ستایش و همکاران [۴] به بررسی ویژگی‌های شرکت و افشای داوطلبانه نمودارها در گزارش‌های سالانه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. متغیرهای استفاده‌شده در پژوهش آن‌ها نوع حسابرس، ساختار مالکیت، سودآوری و اندازه شرکت است. نتایج پژوهش حاکی از این است که اندازه شرکت، سودآوری، نوع حسابرس و ساختار مالکیت شرکت با سطح افشای داوطلبانه نمودارها رابطه‌ای ندارند.

سنجری [۵] به منظور اندازه‌گیری کیفیت افشای اختیاری اطلاعات مالی در گزارشگری سالیانه شرکت بورسی، فهرستی متشکل از ۳۶ اطلاعات اختیاری را ایجاد کرد و از طریق تجزیه و تحلیل همبستگی، به منظور آزمون ارتباط احتمالی کیفیت افشا با متغیرهای بررسی‌شده، به این نتیجه رسید که فقط اندازه شرکت بر سطح افشای اختیاری اطلاعات تأثیرگذار است.

فرضیه‌های پژوهش

به‌منظور دستیابی به اهداف پژوهش، براساس مبانی نظری پژوهش فرضیه‌های زیر تدوین و مورد آزمون قرار گرفته است.

بین عمر شرکت و سطح افشای اختیاری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین اندازه شرکت و سطح افشای اختیاری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین سودآوری شرکت و سطح افشای اختیاری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین میزان

است که سودآوری که بر اساس شاخص بازده دارایی‌ها تعریف شده است، رابطه غیر معناداری با میزان افشا دارد. السعید [۸] پژوهشی را با هدف ارزیابی میزان افشا در گزارشگری سالانه شرکت‌های غیرتولیدی عربستان انجام داد. وی به همین منظور فهرستی متشکل از بیست مورد اختیاری از اطلاعات را برای اندازه‌گیری سطح افشا طراحی کرد و به این نتیجه رسید که از بین متغیرهای بررسی‌شده فقط اندازه شرکت با سطح افشا رابطه مثبت و معناداری دارد. در حالی که اهرم شرکت، سودآوری، عمر شرکت، نقدینگی و اندازه مؤسسه حسابرسی متغیرهای تشریح‌کننده‌ای برای تفاوت‌های میزان افشا میان شرکت‌ها نیست. رافورنیر [۲۳] به بررسی تأثیر برخی عوامل نظیر اندازه شرکت، اندازه حسابرس، ساختار دارایی‌ها، اهرم و سودآوری بر میزان افشای اختیاری در گزارشگری سالانه ۱۶۱ شرکت سوئیسی در سال ۱۹۹۱ پرداخته و به این نتیجه رسید که از میان متغیرهای بررسی‌شده اندازه شرکت نقش مهمی در سیاست افشای شرکت‌ها دارد. وی نتوانست شواهد پشتیبانی‌کننده‌ای در خصوص ارتباط میان سطح افشا و سایر متغیرهای بررسی‌شده پیدا کند.

برخلاف پژوهش‌های خارجی، پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش در کشور محدود است. حاجیان و همکاران [۲] به بررسی ارتباط میان ویژگی‌های مختلف شرکتی و سطح افشای اطلاعات پرداختند، در پژوهش مذکور و در اندازه‌گیری سطح افشای شرکت‌های مختلف از نمره افشای سازمان بورس استفاده شده است، نتایج پژوهش بیانگر این نکته است که فقط سودآوری شرکت با سطح افشای اختیاری ارتباط معناداری دارد. در نتیجه وضعیت مساعد سودآوری شرکت، مدیران را ترغیب به

متغیرهای پژوهش

متغیرهای مستقل

در نگاره (۱) متغیرهای مستقل پژوهش همراه با تعریف عملیاتی آن‌ها توضیح داده شده است. لازم به توضیح است که در تعریف اندازه مؤسسه حسابرسی به دلیل شرایط سیاسی حاکم بر کشور و تحمیل تحریم از سوی کشورهای غربی حضور چهار مؤسسه حسابرسی بین‌المللی معروف به Big Four در ایران میسر نشده است. با وجود این سازمان حسابرسی به عنوان نهاد حسابرسی دولتی در قیاس با دیگر مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران که به صورت خصوصی فعالیت دارند، از اندازه بزرگتری برخوردار است. به دلیل محدودیت فوق در این پژوهش در صورتی که حسابرس شرکت در طی دوره پژوهش، سازمان حسابرسی بوده است، مقدار متغیر مجازی اندازه حسابرسی برابر با یک و در غیر این صورت مقدار آن برابر با صفر در نظر گرفته می‌شود.

نقدینگی شرکت و افشای اختیاری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین اهرم شرکت و سطح افشای اختیاری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین اندازه مؤسسه حسابرسی و سطح افشای اختیاری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش کاربردی و از نوع همبستگی و با استفاده از رویکرد پس‌رویدادی است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از تحلیل ضرایب رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای EViews و SPSS انجام شده است.

نگاره ۱. متغیرهای مستقل و تعریف عملیاتی آن‌ها

نام متغیر	نحوه محاسبه متغیرها
عمر شرکت	لگاریتم تعداد سال‌هایی که شرکت در صنعت فعالیت داشته است.
اندازه شرکت	لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت
سودآوری	بازده دارایی‌ها (تقسیم سود خالص بر میانگین دارایی‌ها)
نقدینگی	نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری
اهرم	نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی شرکت
اندازه مؤسسه حسابرسی	متغیر مجازی یک برای سازمان حسابرسی و متغیر مجازی صفر برای دیگر مؤسسات حسابرسی عضو جامعه

متغیر وابسته

تمام اقلام افشا ابتدا با استاندارد حسابداری و الزامات و مقررات موجود در حوزه گزارشگری اطلاعات در کشور مقایسه شد، تا افشای آن‌ها الزامی نباشد. در نهایت فهرستی ۵۰ موردی از افشای اختیاری تهیه شد که با محیط گزارشگری کشور سازگار است.

برای سنجش کیفیت افشای اختیاری اطلاعات در گزارشگری سالیانه، تلفیقی از شاخص‌های پیشنهادی دیگر پژوهشگران در قالب شش بخش، که در نگاره (۲) مشخص شده است، استفاده شده است.

نگاره ۲. فهرست اقلام افشای اختیاری

منابع	تعداد اقلام	فهرست افشا
سینگاو [۲۴]، حسین و همامی [۱۷]	۶	معرفی و اطلاعات کلی در مورد شرکت
هانفا و کوک [۱۶]	۸	حاکمیت شرکتی
کوک [۱۳]، کوک [۱۴]	۱۲	اطلاعات و عملکرد مالی
هتای [۱۸]	۵	اطلاعات راهبردی شرکت
اویار [۲۶]	۷	گزارشگری اجتماعی و اطلاعات کارکنان
فیرت [۱۵]	۱۲	سایر موارد افشا
	۵۰	جمع

N_{ij} = قلم مورد نظر i در فهرست افشای اختیاری برای شرکت

X_{ij} = امتیاز یک اگر قلم مورد نظر i برای شرکت j افشا شده باشد، در غیر این صورت امتیاز صفر را می‌گیرد. t = سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۱.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش را شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهد. قلمرو زمانی پژوهش با در نظر گرفتن اطلاعات نزدیک به زمان پژوهش یک دوره دوساله طی دوره زمانی سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ تعیین شده است. نمونه آماری به روش حذفی و با در نظر گرفتن شرایط زیر انتخاب شده است:

۱- از ابتدای سال ۱۳۹۱ در بورس پذیرفته شده باشند.

۲- صورت‌های مالی، گزارش فعالیت هیأت‌مدیره و سایر داده‌های مورد نیاز آن‌ها از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ در دسترس باشد.

۳- برای اینکه بتوان تأثیر زمان افشای اطلاعات را حذف نمود یا به عبارت دیگر احتمال تأثیر دوره مالی هر شرکت را بر میزان افشای اختیاری در گزارشگری سالیانه را حذف نمود، شرکت‌هایی که پایان سال مالی

در این پژوهش از رویکرد غیروزنی استفاده شده است. بدین صورت هر قلم از موارد افشای اختیاری به‌طور میانگین، سطح اهمیت یکسانی، برای استفاده‌کنندگان دارند. مزیت عمده چنین رویکردی این است که تجزیه و تحلیل تحت تأثیر قضاوت‌های ذهنی قرار نمی‌گیرد [۱۲]. روش کار بدین صورت است که پس از آماده‌شدن فهرست افشا، برگه امتیازی برای هر یک از شرکت‌های نمونه تهیه گردید. سپس گزارش‌های هیأت مدیره و صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه با دقت مطالعه می‌گردد تا اطلاعات گزارش‌شده با فهرست افشای اختیاری تهیه‌شده، مطابقت داده شود. پس از تجزیه و تحلیل محتوایی، اگر شرکتی هر قلم از ۵۰ قلم از فهرست افشا را در گزارشگری سالانه خود افشا کند امتیاز یک و در غیر این صورت امتیاز صفر را شامل می‌شود و در نهایت شاخص افشای اختیاری برای هر شرکت تعیین می‌شود [۶].

$$VDEX_{ij,t} = \sum_{t=1}^{N_{ij}} X_{ij} \quad \text{رابطه (۱)}$$

در رابطه (۱):

$VDEX_{ij,t}$ = میزان افشای اختیاری برای شرکت j در زمان t که در گزارشگری مالی افشا شده است.

نگاره ۳. الگوی پژوهش

$$TVDX_{it} = \beta_0 + \beta_1 AGE + \beta_2 SIZE + \beta_3 PROF + \beta_4 LEV + \beta_5 LIQU + \beta_6 AUDES + \beta \mu_{it}$$

$TVDX_{it}$ = میزان افشای اختیاری

AGE = عمر شرکت

SIZE = اندازه شرکت

PROF = سودآوری

LIQT = نقدینگی

LEV = نسبت بدهی شرکت

AUDES = اندازه مؤسسه حسابرسی

μ_{it} = جزء خطا

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

برای تجزیه و تحلیل مقدماتی داده‌ها آماره‌های

توصیفی متغیرهای پژوهش، محاسبه و در نگاره (۴)

ارائه شده است.

آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند نبود، از جامعه آماری پژوهش کنار گذاشته خواهند شد.

با توجه به شرایط اشاره شده در بالا از مجموع شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس از داده‌های ۲۰۳ شرکت به عنوان نمونه پژوهش استفاده شده است. همچنین لازم به توضیح است که سیاست و رویه‌های افشای شرکت‌ها در طی سال‌های مختلف تا حدودی پایدار و یکسان است [۱۰]. بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده نظیر کوک [۱۳]، السعید [۸] و منساح [۱۹] فقط از یک سال مالی استفاده کرده‌اند. ولی با وجود این برای افزایش اعتبار نتایج، از داده‌های دو سال مالی ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ استفاده شده است.

الگوی پژوهش

بر اساس مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین، برای آزمون فرضیه پژوهش از الگوی نگاره (۳) استفاده شده است:

نگاره ۴. اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
عمر شرکت	۱/۵۴۳۸	۱/۶۰۰	۱.۹۶	۰.۷۹	۰/۱۹۸۰۹
اندازه شرکت	۱۱/۹۵۷	۱۱/۶۰	۱۳/۹۳	۱۰/۳۶	۰/۶۶۵۸۳
سودآوری	۱۵/۳۷۸۸	۱۵/۳۳۵۰	۴۷/۶۴	-۶۴/۷۹	۱۲/۶۹۳۶
نقدینگی	۰/۱۳۶۸	۰/۰۰	۲/۱۱	۰/۰۷	۰/۲۱۲۴۹
نسبت بدهی	۰/۷۰۷۳	۰/۶۹۵۰	۲/۲۵	۰/۱۴	۰/۲۵۴۹۶
میزان افشای اختیاری	۲۲/۰۰	۲۱/۷۹۹۵	۳۳/۰۰	۱۰/۰۰	۴/۱۳۵۰
متغیر مجازی	میانگین مقدار «صفر»	میانگین مقدار «یک»			میانه
اندازه حسابرسی	۰/۸۶	۰/۱۴			۰/۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

می‌باشد. همچنین میانگین نسبت بدهی شرکت‌ها ۷۰٪ است که نسبتاً رقم بالایی است. همچنین اطلاعات نگاره (۴) نشان می‌دهد که حسابرسی

با توجه به اینکه شاخص‌های مرکزی میانه و میانگین متغیر افشای اختیاری نزدیک به هم است، لذا می‌توان ادعا کرد که افلام افشا شده در گزارشگری سالانه شرکت‌های مورد نظر تا حدودی شبیه هم

میان و نما) برای تعیین نرمال بودن داده‌ها استفاده شود. چنانچه اگر این شاخص‌های مرکزی نزدیک به هم باشند، فرض بهنجار بودن داده‌ها پذیرفته می‌شود. با توجه به نگاره (۵) می‌توان ادعا کرد که شاخص‌های مرکزی متغیرهای مورد نظر بسیار نزدیک به هم است و در نتیجه فرض بهنجار بودن داده‌ها پذیرفته می‌شود.

حدود ۱۴ درصد از شرکت‌های نمونه را سازمان حسابرسی انجام می‌دهد.

آمار استنباطی

بررسی بهنجار بودن متغیرها

چنانکه حجم نمونه بیشتر از ۱۰۰ مورد باشد، به‌جای آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف، پژوهشگرانی نظیر تاباچنیک و فیدل [۲۵] توصیه کرده‌اند که از بررسی شاخص‌های مرکزی (میانگین،

نگاره ۵. شاخص‌های مرکزی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	میان	نما
عمر شرکت	۱/۵۴۳۸	۱/۶۰۰۰	۱/۶۸
اندازه شرکت	۱۱/۹۵۷	۱۱/۶۰	۱۱/۵۴
سودآوری	۱۵/۳۷۸۸	۱۵/۳۳۵	۱۵/۱۰
تقدینگی	۰/۱۳۶۸	۰/۰۷	۰/۰۵
نسبت بدهی	۰/۷۰۷۳	۰/۶۹۵۰	۰/۶۵۰۰
میزان افشای اختیاری	۲۲/۰۰	۲۱/۷۹۹۵	۲۲/۰۰
متغیر مجازی	مقدار «صفر»	مقدار «یک»	نما
اندازه حسابرسی	۰/۸۶	۰/۱۴	۰

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل رگرسیون

داده‌های این پژوهش به صورت ترکیبی است. در داده‌های ترکیبی ابتدا از آزمون F لیمر استفاده می‌شود تا تلفیقی یا تابلویی بودن داده‌ها مشخص شود. نتایج نگاره (۶) نشان می‌دهد که احتمال آزمون F لیمر کمتر از ۰/۰۵ است، چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است. لذا از روش داده‌های تابلویی در برآورد مدل رگرسیونی استفاده می‌شود. همچنین با توجه به نتایج آزمون F لیمر، لازم است آزمون هاسمن برای تعیین نوع داده‌های تابلویی انجام شود، همان‌طور که از نتایج نگاره (۶) مشخص است احتمال به‌دست آمده از آزمون هاسمن بیشتر از ۰/۰۵ است. به همین دلیل

به منظور برآورد این مدل از شیوه داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی استفاده شده است.

نگاره ۶. خلاصه نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

نوع آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
F لیمر	۹/۱۴	۰/۰۰۰	تابلویی
هاسمن	۲/۱۳۵	۰/۶۸۲	اثرات تصادفی

منبع: یافته‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگوی نگاره (۳) استفاده شده است. استفاده از تحلیل رگرسیونی منوط به محقق شدن مفروضاتی است که برای تأیید آن‌ها از آزمون دوربین - واتسون و آزمون هم‌خطی استفاده شده است. البته لازم به یادآوری است که

بهنجار بودن توزیع متغیر وابسته و خطاها نیز به عنوان دیگر مفروضات کلاسیک رگرسیون بررسی و تأیید شده است. نتایج مربوط به این الگو در نگاره (۷) نشان داده شده است.

نگاره ۷. نتایج آماری حاصل از آزمون فرضیه‌ها

متغیر	ضریب متغیر	آماره t	سطح معناداری	عامل تورم واریانس
عرض از مبدأ	-۴/۳۴۴	-۱/۰۹۸	۰/۲۷۳	-
AGE	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۹۹۵	۱/۰۴۴
SIZE	۰/۳۵۱	۷/۱۶۱	۰/۰۰۰	۱/۱۰۲
PROF	۰/۰۴۱	۰/۶۲۰	۰/۵۳۶	۱/۰۴۲
LEV	۰/۰۰۳	۰/۰۴۷	۰/۹۶۲	۱/۰۵۱
LIQ	۰/۰۱۳	۰/۲۴۴	۰/۸۰۷	۱/۲۲۱
AUDS	۰/۰۱۴	۰/۲۹۰	۰/۷۷۲	۱/۰۸۳
ضریب تعیین ۱۳۵/۰		آماره دوربین-واتسون		۲/۰۷۹
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۱۲۱	آماره ۲۸۹F	۱۰/۲۸۹F
معناداری آماره F				۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

میزان افشای اختیاری شرکت‌ها هستند. این درصد در قیاس با نتایج پژوهش منساح [۱۹] که ۷/۷ درصد است، بیشتر است.

بررسی نتایج ارائه‌شده نگاره (۷) بیانگر این است که بین عمر شرکت و سطح افشای اختیاری رابطه مثبت و غیر معناداری وجود دارد. در نتیجه فرضیه اول رد می‌شود. این رابطه بدان معناست که تفاوت معناداری در میزان افشای اختیاری شرکت‌های قدیمی و تازه تأسیس وجود ندارد. این یافته از لحاظ وجود رابطه غیرمعنادار با نتایج بیشتر پژوهش‌هایی که به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه انجام شده است، نظیر هانیفا و کوک [۱۶] و السعید [۸] مطابقت داشته و با پژوهش حسین و همای [۱۷] مغایرت دارد. شاید دلیل اصلی این مغایرت در نظر گرفتن برخی اقلام افشای اجباری در شاخص اندازه‌گیری افشای اختیاری اطلاعات در پژوهش آن‌ها بود. در خصوص فرضیه دوم، سطح معناداری مربوط به آماره t

بر اساس نگاره (۷)، آماره دوربین و واتسون در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد و می‌توان چنین نتیجه گرفت که اجزای خطا با همدیگر همبستگی ندارند. مطابق با پژوهش بوورمن و اوکونل [۱۱]، زمانی که میانگین عامل تورم واریانس از یک فاصله زیادی داشته باشد، هم‌خطی بین متغیرهای مستقل مخرب است و باید نگران وجود هم‌خطی بود. با توجه به نگاره (۷)، میانگین عامل تورم واریانس بسیار نزدیک به یک است، یعنی هم‌خطی بین متغیرهای مستقل، مشکل اساسی در تفسیر نتایج ایجاد نمی‌کند و در مجموع، استفاده از تحلیل رگرسیون بلامانع است. همان‌طور که در نگاره (۷) مشاهده می‌شود، مقدار و احتمال آماره F بیانگر معنادار بودن کلی معادله رگرسیون در سطح معناداری ۰/۰۵ است. مقدار R^2 تعدیل‌شده کل نیز برابر با ۱۲/۱ درصد است. این مقدار بیانگر آن است که متغیرهای مستقل مدل ارائه‌شده، قادر به تبیین ۱۳/۵ درصد از تغییرات در

بنابراین فرضیه پنجم نیز رد می‌شود. در خصوص آخرین فرضیه پژوهش نیز، نتایج بیانگر وجود رابطه مثبت و غیرمعنادار اندازه مؤسسه حسابرسی و میزان افشای اختیاری است. این یافته از لحاظ وجود رابطه مثبت با پژوهش فیرت [۱۵] و والاس و ناصر [۲۸] و از لحاظ عدم معناداری با پژوهش‌های رافورنیر [۲۳]، اوسوه و انساح [۲۲]، هانیفا و کوک [۱۶]، السعید [۸] و منساح [۱۹] مطابقت دارد. در نتیجه فرضیه ششم پذیرفته نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، به بررسی برخی ویژگی‌های تأثیرگذار که در پژوهش‌های قبلی به عنوان عوامل تأثیرگذار بر سطح افشای اختیاری، شناخته شده است، پرداخته شده است. کمبود پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه افشای اختیاری که به صورت جامع، تأثیر انواع مختلف ویژگی‌های شرکت بر میزان افشای شرکت را اندازه‌گیری کند، از انگیزه‌های انجام این پژوهش است. این پژوهش، کمک مؤثری در درک هر چه بهتر عوامل مؤثر بر میزان افشای اختیاری اطلاعات است، تا در نهایت تأثیر مهمی در افزایش کیفیت گزارشگری مالی سالیانه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران داشته باشند.

نتایج حاصل بیانگر آن است که از میان ویژگی‌های شرکت در حوزه افشای اختیاری، فقط اندازه شرکت رابطه مثبت و معناداری با سطح افشای اختیاری دارد. به نظر می‌رسد که شرکت‌هایی که از لحاظ اندازه بزرگتر هستند، تمایل به افشای بیشتر اطلاعات دارند. دیگر متغیرهای ویژگی‌های شرکت (از قبیل عمر شرکت، سودآوری، نقدینگی، اهرم و اندازه مؤسسه حسابرسی) رابطه معناداری با سطح

بیانگر این است که بین اندازه شرکت و میزان افشای اختیاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. نتایج پژوهش‌هایی همچون والاس و ناصر [۲۸]، السعید [۸]، میشاری و همکاران [۲۰] و البیتار [۷] نیز رابطه مثبت معناداری را بین این دو متغیر نشان داده‌اند. نتایج پژوهش منساح [۱۹] نیز رابطه غیرمعناداری را بین این دو متغیر نشان می‌دهد که بدین صورت با یافته‌های پژوهش حاضر مغایرت دارند. سودآوری نیز رابطه مثبت و غیر معناداری با میزان افشای اختیاری دارد. این یافته از لحاظ وجود رابطه مثبت با نتایج پژوهش‌های سرف [۱۲]، سینگوی [۲۴]، نیلن و تورسن [۲۱] و البیتار [۷] و از لحاظ غیر معناداری با پژوهش‌های رافورنیر [۲۳] و السعید [۸] مطابقت دارد. در نتیجه با توجه به شواهد، فرضیه سوم پذیرفته نمی‌شود. این به آن معناست که در میزان افشای اختیاری شرکت‌های سودآور با بقیه شرکت‌ها تفاوت معنادار وجود ندارد. نتایج حاصل از بررسی فرضیه چهارم نیز بیانگر این است که بین میزان نقدینگی و سطح افشای اختیاری رابطه مثبت و غیرمعناداری وجود دارد. این یافته از لحاظ وجود رابطه مثبت با پژوهش‌های والاس و ناصر [۲۸] مغایرت داشته و از جهت عدم معناداری با پژوهش‌های بلکوئی و کاهل [۹]، السعید [۸] و منساح [۱۹] مطابقت دارد. بنابراین فرضیه چهارم هم رد می‌شود.

نتایج حاصل از بررسی فرضیه پنجم نیز بیانگر این است که بین نسبت بدهی و سطح افشای اختیاری رابطه مثبت و غیرمعناداری وجود دارد. این یافته با تئوری نمایندگی در تضاد است. این رابطه از لحاظ غیرمعناداری با پژوهش‌های رافورنیر [۲۳]، السعید [۸] و منساح [۱۹] و سنجری [۵] مطابقت دارد.

شرکت‌ها در تهیه و گزارش اطلاعات به شاخص‌های مندرج در آن تکیه می‌کنند، این امر امکان افشای اطلاعات اختیاری در متن صورت‌های مالی را محدود نموده است. لذا برای استخراج شاخص‌های افشای اختیاری اطلاعات به گزارش فعالیت هیأت‌مدیره شرکت‌ها اتکا گردید.

۲. شاخص استفاده‌شده در تعریف متغیر اندازه حسابرسی صورت‌های مالی شرکت‌ها به وسیله سازمان حسابرسی و یا دیگر مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی ایران است که این امر به دلیل محدودیت ناشی از میسر نبودن حسابرسی گزارش‌های مالی به وسیله نهادهای بزرگ حسابرسی بین‌المللی معروف به Big Four است.

پیشنهاد‌های کاربردی پژوهش

۱. یافته‌های پژوهش حاضر عاملی است به‌منظور آگاه‌ساختن مجموعه سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان معیارهای حسابداری، تا از وضعیت فعلی افشای اختیاری در شرکت‌های حاضر در بورس آگاه شده و اقداماتی در زمینه افزایش سطح افشای اختیاری در کشور انجام دهند.

۲. تأثیر مثبت کیفیت افشا بر حجم مبادلات در بورس و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان سرمایه‌گذاران و شرکت در پژوهش‌های مختلف تأیید شده است. لذا به شرکت‌های بورسی ایران توصیه می‌شود با بهبود کیفیت افشای خود راه را برای توسعه بورس و همچنین تأمین مالی خود از طریق بازار سرمایه باز کنند.

۳. میانگین افشای اختیاری در کشور در قیاس با سایر کشورها بسیار کم است. به دولت پیشنهاد می‌شود که به آن دسته از شرکت‌هایی که فراتر از الزامات قانونی تعیین شده اقدام به افشای اطلاعات

افشای اختیاری ندارند. یافته‌ها بیانگر این است که درجه اهرم شرکت تأثیر معناداری بر سطح افشا ندارد. لذا می‌توان ادعا کرد که فرایند اعتبارگیری شرکت تأثیری در میزان افشای اختیاری ندارد و بیشتر اعتباردهندگان در کشور که اغلب بانک‌ها هستند، به سیستم گزارشگری اطلاعات و کیفیت آن‌ها توجه خاصی ندارند. در نتیجه اهرم شرکت و سیستم گزارشگری اطلاعات توأماً با هم منجر به کاهش هزینه‌های ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی نمی‌شوند. شاید اگر بانک‌ها تمرکز بیشتری روی کیفیت افشای اطلاعات در گزارشگری سالیانه شرکت‌ها داشته باشند، به تدریج کیفیت افشا بهبود یابد. همچنین نسبت بدهی شرکت‌های نمونه حاضر در بورس، بالاست. به همین دلیل ضروری است تا با افزایش کیفیت گزارشگری مالی و افشای اطلاعات اختیاری بیشتر در گزارشگری سالیانه و جذب سرمایه‌های بیشتر از طریق بورس اوراق بهادار، اجبار شرکت‌ها به وام‌گیری کاهش یابد. به هر حال برخی پژوهش‌ها از قبیل ستایش و همکاران [۳] نشان داده است که افزایش عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از کیفیت پایین افشا منجر به پایین آمدن حجم معاملات در بورس می‌شود. نکته مورد توجه این پژوهش این است که گزارشگری سالیانه شرکت‌های بررسی‌شده در بورس از لحاظ محتوای اطلاعات و شکل ارائه آن‌ها شباهت بسیاری با هم دارند. شاید دلیل عمده این شباهت، تأکید بیش از حد شرکت‌های حاضر در بورس بر افشای اجباری اطلاعات الزامی‌شده مقررات حوزه گزارشگری مالی است.

محدودیت‌های پژوهش

۱. با توجه به اینکه سازمان حسابرسی کتابچه‌ای تحت عنوان فرمت نمونه گزارشگری منتشر نموده و

می‌کند، سیاست‌های تشویقی نظیر معافیت‌های مالیاتی را در نظر گیرد.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

۱. استفاده از شاخص‌های وزنی که با استفاده از نظرات تحلیلگران مالی، اهمیت نسبی هر قلم از فهرست افشای اختیاری مشخص شده است، توصیه می‌گردد.

۲. می‌توان تأثیر شاخص‌های استفاده شده در این پژوهش را بر حسب طبقات مختلف فهرست افشای اختیاری از جمله (اطلاعات تاریخی، اطلاعات آینده‌نگر، اطلاعات غیرمالی و ...) را بررسی کرد.

۳. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به بررسی تأثیر افشای اختیاری بر متغیرهای مختلف از قبیل ارزش شرکت و همچنین ریسک شرکت پرداخته شود. برخی پژوهشگران اعتقاد دارند افشای اختیاری در درازمدت می‌تواند تأثیر منفی بر عملکرد شرکت خصوصاً شرکت‌های تازه تأسیس داشته باشد. به همین دلیل بهتر است برخی پژوهش‌های آتی به بررسی تأثیر مثبت یا منفی افشای اختیاری پردازند.

منابع

۱- دستگیر، محسن و مهشید شهرزادی. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین کیفیت افشا و کیفیت اقلام تعهدی در توضیح تغییرات بازده اضافی پرتفوی. پژوهش‌های حسابداری مالی، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۱۷-۳۲.

۲- حاجیان، نجمه، انواری رستمی، علی‌اصغر، رحمانی، علی و عادل آذر. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر سطح افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

پژوهش‌های حسابداری مالی، سال هفتم، شماره ۱، صص ۷۱-۹۲.

۳- ستایش، محمدحسین، کاظم‌نژاد، مصطفی و مهدی ذوالفقاری. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر کیفیت افشا بر نقدشوندگی سهام و هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، شماره ۹، صص ۵۵-۷۴.

۴- ستایش، محمدحسین، نصیری، طاهره و سمیره عباس‌پور. (۱۳۹۲). ویژگی شرکت‌ها و افشای داوطلبانه نمودارها در گزارش‌های سالانه شرکت‌های ایرانی. پژوهش حسابداری، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۴۵-۶۵.

۵- سنجرى، لقمان. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین ویژگی‌های حسابداری شرکت‌ها و میزان افشای اختیاری اطلاعات مالی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی. تهران.

۶- فروغی، داریوش، امیری، هادی و منوچهر میرزایی. (۱۳۹۰). تأثیر شفاف نبودن اطلاعات مالی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌ها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۵-۴۰.

7- Albitar, K. (2015). Firm Characteristics Governance Attributes and Corporate Voluntary Disclosure: A Study of Jordanian Listed Companies. *International Business Research*, Vol. 8, No. 3, Pp. 1-10.

8- Alsaed, K. (2006). The Association between Firm-Specific Characteristics and Disclosure: The Case of Saudi Arabia. *Journal Of American Academy of Business*, Vol. 7, No. 1, Pp. 310-321.

- 20- Mishari, M., and A, Almutawa. (2014). Firm-Specific Characteristics and Corporate Financial Disclosure: Evidence from an Emerging Marke. *International Journal of Accounting and Taxation*, Vol. 2, No. 3, Pp. 55-78.
- 21- Nilehn, P., and A. Thoreson. (2014). *Determinants of Voluntary Disclosure in Swedish Corporate Annual Reports*. Master Thesis. Uppsala University.
- 22- Owusu-Ansah, S. (1998). The Impact of Corporate Attributes on The Extent of Mandatory Disclosure and Reporting by Listed Companies in Zimbabwe. *International Journal of Accounting*, Vol. 33, No. 5, Pp. 605-631.
- 23- Raffournier, B. (1995). The Determinants of Voluntary Financial Disclosure by Swiss Listed Companies. *The European Accounting Review*, Vol. 4, No. 2, Pp. 261-280.
- 24- Singhvi, S. (1968). Characteristics and Implication of Inadequate Disclosure: A Case Study of India. *The International Journal of Accounting*, Vol. 3, No. 2, Pp. 29-44.
- 25- Tabachnick, B.G., and L.S. Fidell. (2006). *Using multivariate statistics*. 5th Edition. California State University. Northridge: Harper Collins Collage pubs.
- 26- Uyar, A. (2011). Firm Characteristics and Voluntary Disclosure of Graphs in Annual Reports of Turkish Listed Companies. *African Journal of Business Management*, Vol. 5, No. 17, Pp. 7651-7657.
- 27- Wallace, R.O., Naser, K., and A, Mora. (1994). The Relationship between the Comprehensiveness of Corporate Annual Reports and Firm Characteristics in Spain. *Accounting and Business Research*, Vol. 25, No. 97, Pp. 41-53.
- 28- Wallace, R., and K, Naser. (1995). Firm Specific Determinants of Mandatory Disclosure in the Corporate Annual Reports of Firms Listed on the Stock Exchange of Hong Kong. *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 14, No. 4, Pp. 311-368.
- 29- Watts, R., Zimmerman, J. (1986). *Positive Accounting Theory*. Prentice - Hall, Englewood Cliffs, NJ.
- 9- Belkaoui, A., and A. Kahl. (1978). Corporate Financial Disclosure in Canada, *Research Monograph*. No. 1 (Vancouver: Canadian Certified General Accountants Association).
- 10- Botosan, C. (1997). Disclosure Level and the Cost of Equity Capital, *The Accounting Review*, Vol. 72, No. 3, Pp. 312-349.
- 11- Bowerman, B. L., and R.T., O'Connell. (1990). *Linear Statistical Models: An Applied Approach*. 2nd ed. Belmont, CA: Duxbury.
- 12- Cerf, A. R. (1961). Corporate Reporting and Investment Decisions. *Auditing and Taxation*, Vol. 15, No. 1, Pp. 1-15
- 13- Cooke, T. E. (1991). An Assessment of Voluntary Disclosure in the Annual Reports of Japanese Corporation. *International Journal of Accounting*, Vol. 26, No. 1, Pp. 174-189.
- 14- Cooke, T. E. (1992). The Impact of Size, Stock Market Listing and Industry Type on Disclosure in the Annual Reports of Japanese Listed Corporations. *Accounting and Business Research*, Vol. 22, No. 87, Pp. 229-237.
- 15- Firth, M. (1979). The Impact of Size, Stock Market Listing, and Auditors on Voluntary Disclosure in Corporate Annual Reports, *Accounting and Business Research*, Vol. 9, No. 3, Pp. 273-280.
- 16- Haniffa, R.M., and T.E, Cooke. (2002). Culture, Corporate Governance and Disclosure in Malaysian Corporations. *ABACUS*, Vol. 38, No. 3, Pp. 317-350.
- 17- Hossain, M., and H, Hammami. (2009). Voluntary Disclosure in the Annual Reports of an Emerging Country: The Case of Qatar. *Advances in Accounting*. Vol. 25, No. 1, Pp. 255-265.
- 18- Jensen, M.C., and W. H. Meckling. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. *Journal of Financial Economics*, Vol. 3, No. 3, Pp. 305-360.
- 19- Mensah, B.A., (2012). Association between Firm-Specific Characteristics and Levels of Disclosure of Financial Information of Rural Banks in the Ashanti Region of Ghana. *Journal of Applied Finance & Banking*, Vol. 2, No. 1, Pp. 69-92.

The Association between the Firm-Specific Characteristics and Corporate Voluntary Disclosure: (Evidence from Iran)

*** S. Naghdi**

Student of Ph.D of Accounting, Shahid Beheshti University Tehran, Iran

A. E. Kordlar

Assistant Professor of Faculty of Management & Accounting Tehran University, Tehran, Iran

Abstract

The purpose of this paper is to examine the influence of various financial and non-financial variables on the level of voluntary disclosure in the annual reports of listed Iranian firms. The research paper has been based on a sample of 203 firms listed in the Tehran Stock Exchange during the study period from 1391 to 1392. Also, the Ordinary Least Squares (OLS) method is used for testing hypotheses. The disclosure score used in this study is unweighted relative disclosure index consisting of 50 voluntary items based on accounting standards for measuring voluntary disclosure in annual reports. The empirical results indicate that only one of the corporate characterizes (Size) has a significant positive association with voluntary disclosure. This study does not find any significant relationship between Age, Leverage, Liquidity, Profitability, Audit firm size with the extent of voluntary disclosure

Keywords: Corporate Characteristics, Annual Reports, Voluntary Disclosure, Unweighted Index.